

تسهیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل دولت دیگر یا سازمان بین‌المللی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷)

مهدی حدادی^۱

محمد ستایش‌پور^۲

چکیده

جامعه جهانی، نظاره‌گر ارتکاب اعمال متخلفانه‌ای است که بیش از یک دولت، به‌نحوی در آن نقش دارند. دو طرح ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی، در کنار مسئولیت مستقل به مسئولیت در ارتباط با عمل دیگری که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد شده پرداخته است. کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار و شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی، چهار حالت حصری داخل در این قسم از مسئولیت هستند. با این‌همه، مشخص نشده است که دقیقاً ارتباط میان این دو قسم مسئولیت چگونه است و با اعمال مسئولیت اشتقاقی، هر طرف مسئول به چه اندازه مسئولیت دارد و متعهد به جبران خسارت است. اصل بر مسئولیت مستقل است و مسئولیت اشتقاقی، فرع بر آن دانسته می‌شود. در حالت کمک یا مساعدت، هر دولتی تنها تا آن اندازه مسئولیت دارد که کمک کرده یا مساعدت نموده باشد نه

۱. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (mhaddadi@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم (mohamadsetayeshpur@yahoo.com)

بیشتر. در هدایت و کنترل، مسئولیت تضامنی اعمال می‌شود. این در حالی است که در حالت اجبار، طرف مجبور هیچ مسئولیتی نداشته و تمام بار مسئولیت بر دوش دولت اجبار کننده است. در مورد شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی، دولت نمی‌تواند و نباید پشت نقاب عضویت در سازمان پنهان شود و از تعهدات اولیه خود طفره رود.

کلیدواژه‌ها: دولت، مسئولیت اشتقاقی، عمل متخلفانه، نقض تعهد

مقدمه

نقض تعهد بین‌المللی دولت، خواه فعل باشد یا ترک فعل، صرف‌نظر از این‌که آن تعهد از کجا ناشی می‌شود، به‌طور اتوماتیک و حتی بدون درخواست طرف زیان‌دیده موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض تعهد می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۲۱). به‌همین دلیل است که از قواعد مسئولیت به تعهد ثانویه یاد می‌شود. هر اندازه که از جامعه هم‌زیست به جامعه همکار گذار می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۹) به‌رغم تمام پیامدهای مثبت و انسان‌دوستانه‌ای که دارد، متأسفانه در ارتکاب نقض تعهد و عمل متخلفانه هم این همکاری‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که کمتر عمل متخلفانه‌ای وجود دارد که تنها یک دولت در ارتکاب آن نقش داشته باشد. (ستایش‌پور، ۱۳۹۴: ۲۶) نمونه‌های آن در جامعه بین‌المللی و به‌طور خاص در منطقه خاورمیانه زیاد است و متأسفانه جمهوری اسلامی ایران هم بارها هدف این اعمال متخلفانه صورت گرفته است که بارزترین آن نقشی بود که دولت‌های دیگر در حمایت از عراق در جنگ علیه ایران انجام می‌دادند (ستایش‌پور؛ عابدینی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

کمیسیون حقوق بین‌الملل، پس از نزدیک به یک صده مطالعه و کار، موفق به تهیه دو طرح در خصوص مسئولیت بین‌المللی شد که طرح نخست صرفاً به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته و طرح ۲۰۱۱ اگرچه بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نظر دوخته اما از اقدامات دولت‌ها در قبال این سازمان‌ها غافل نمانده است. لذا پرداختن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بدون توجه به طرح ۲۰۱۱ قطعاً ابتر خواهد بود. با این‌همه، به‌منظور پرهیز از خلط مبحث حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت و سازمان‌های بین‌المللی به‌رغم تمام شباهت‌هایی که دارند، در مقاله پیش‌رو تنها بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، خواه در قبال دولت خواه در قبال سازمان بین‌المللی، تمرکز شده است و تنها تا آن‌جا به بحث مسئولیت سازمان بین‌المللی ورود می‌شود که مقتضای پرداختن به

مسئولیت بین‌المللی دولت است. لذا جستار حاضر صرف‌نظر از موضوع تسهیم مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی است که در این مقال نمی‌گنجد. مطالعه تطبیقی هر دو طرح در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌تواند به ایضاح موضوع مربوط به دولت کمک کند؛ حال آن‌که بیشتر آثار مربوط به مسئولیت دولت تنها به طرح ۲۰۰۱ پرداخته‌اند و به اشتباه پنداشته شده است که طرح ۲۰۱۱ تنها ناظر بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی است و صرف‌نظر از مسئولیت دولت‌ها است.

در هر دو طرح، اصل بر مسئولیت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی است و در کنار آن سایر حالاتی که ممکن است دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه ایفاء نقش کند، به‌طور حصری آورده شده است؛ کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار و شانه خالی کردن دولت از تعهد بین‌المللی این چهار حالت حصری هستند (ستایش‌پور، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۵). با این‌همه، مشخص نشده است که هریک به چه اندازه مسئولیت دارند و تسهیم مسئولیت هریک چگونه است. تسهیم مسئولیت که در ادبیات غرب عبارتی شناخته شده است متأسفانه تا به امروز در ادبیات ایرانی تا اندازه‌ای مغفول مانده است.

۱. کمک یا مساعدت^۱

مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، مهم‌ترین و فراگیرترین وضعیت مشمول این قسم از مسئولیت قلمداد می‌شود. (Aust, 2011: 192-193)

۱-۱. کمک یا مساعدت دولت به دولت دیگر

ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱، اولین حالت از حالت‌های حصری داخل در این

1. Aid or Assistance.

مجموعه مواد را بیان می‌کند. (Lanovoy, 2014: 141) بر اساس این ماده اگر دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت نماید مسئول تلقی می‌شود. (Talmon, 2008: 218) (D'Asperamont, 2007: 98) این ماده مقرر می‌دارد: «دولتی که در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط عمل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛

ب) عمل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت عمل متخلفانه محسوب می‌شد.»

برای این که دولتی را بتوان به جهت کمک یا مساعدتش در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول دانست، احراز سه مهم لازم است. نخست این که دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده از اوضاع و احوال آن تخلف بین‌المللی آگاهی داشته باشد؛ دوم این که کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن تخلف بین‌المللی باشد و واقعاً هم ارتکاب عمل مربوط را تسهیل کند و سوم این که اگر دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده خودش هم عمل را انجام می‌داد عمل متخلفانه آن به حساب می‌آمد. (ARSIWA, 2001: 66) شرط آگاهی دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده از شرایطی است که عمل متخلفانه بین‌المللی دولت را به دنبال دارد و موجب می‌شود تا هر کمک یا مساعدتی را نتوان موجب بار کردن مسئولیت قلمداد کرد. ماده ۱۶ الف) با تقریر آن که کمک یا مساعدت باید با «آگاهی از شرایط تخلف بین‌المللی» ارائه شده باشد، متذکر رکن ذهنی مندرج در مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت می‌شود. شرط دیگری که برای کاربرد ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱ لازم می‌نماید آن است که «کمک یا مساعدت» مزبور باید جهت تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه صورت



پذیرد و واقعاً در تسهیل ارتکاب این عمل مؤثر باشد. البته کمیسیون حقوق بین‌الملل آستانه بالایی را برای این اثرگذاری در نظر نگرفته است و چنانچه در شرح و تفسیر صورت گرفته از ماده پیش گفته اظهار می‌دارد همین که کمک یا مساعدت در انجام عمل متخلفانه بین‌المللی نقش عمده داشته باشد کافی است و نیازی نیست که حتماً دارای نقش اساسی در ارتکاب آن عمل باشد. شرط آخر به لزوم التزام دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده به تعهد مربوط باز می‌گردد. بدین معنا که اگر عمل متخلفانه بین‌المللی ارتكابی از سوی خود دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده هم صورت می‌گرفت نقض تعهد بین‌المللی آن به‌شمار می‌رفت. به حکم منطق، دولت، ملتزم به تعهدی که دولت دیگر در قبال دولت‌های ثالث دارد، نیست.

آنچه که در خصوص قابلیت اعمال یا نبود قابلیت اعمال مفاده ماده ۱۶ اهمیت دارد محتوای یک مقرر قانونی است نه عنوان آن. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «اجرای کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جرم نسل‌زدایی»^۱ اظهار داشت که حقوق مسئولیت بین‌المللی هرگز متضمن مفهومی با عنوان «شرکت در جرم» نیست. با این‌همه، اذعان داشت که هیچ دلیل عقلی وجود ندارد تا به‌لحاظ ماهوی میان مفهوم «شرکت در جرم نسل‌زدایی» مندرج در بند «ر» ماده ۳ کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات نسل‌زدایی و حالت «کمک یا مساعدت» در ارتکاب نسل‌زدایی به آن‌گونه که در ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت آمده است قایل به تمایز شد. درست است که به‌لحاظ ظاهری «شرکت در جرم» متفاوت از «کمک یا مساعدت در ارتکاب جرم» است اما دیوان بر این امر باور داشت که به‌لحاظ

1. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide.

ماهوی در این قضیه تفاوتی میان این دو حالت وجود ندارد و به لحاظ منطقی دلیلی را نیافت تا بتواند میان این دو پرده بکشد. با توجه به آن‌چه که دادگاه جهانی در خلال رسیدگی به قضیه بوسنی و هرزه‌گوین علیه صربستان و مونته‌نگرو به آن دست یافت، در چنین حالتی می‌توان از ماده ۱۶ پیش‌نویس ۲۰۰۱ نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل بهره گرفت. در واقع، این امر به جهت دوری از دست‌آویزی به نام خلاء قانونی صورت گرفت.

چنان‌چه عقل حکم می‌کند اگر دو قاعده با عنوان مشابه، محتوایی یکسان نداشته باشند قطعاً نمی‌توان آن دو را یکسان قلمداد کرد و در مقابل اگر دو مقررہ با دو عنوان متفاوت باشند ولی محتوایی نظیر یکدیگر داشته باشند آیا باهم می‌توان سخن از متفاوت بودن آن‌ها راند؟ پاسخ گزاره‌های عقلی به این پرسش، منفی است. اگر مقررہ‌ای با یک عنوان در حقوق داخلی وجود داشته باشد و مقررہ‌ای دقیقاً با همان عنوانی که در حقوق داخلی به کار می‌رود در حقوق بین‌الملل هم استفاده شود ولی محتوایی متفاوت داشته باشند آیا درست است که بگوییم این دو مقررہ یکی هستند و درصدد بیان یک امر هستند؟ خیر، به هیچ‌وجه این‌طور نیست. مقررہ به محتوای خود زنده است نه به‌عنوانی که دارد. این دقیقاً همان چیزی است که کنوانسیون حقوق معاهدات هم بر آن تأکید دارد و در تعریف معاهده گفته می‌شود که اگر سندی عنوان معاهده نداشته باشد ولی عناصر موجد معاهده را داشته باشد عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات در قبال آن قابل اعمال است. به‌همین خاطر بود که دیوان بین‌المللی دادگستری طی رسیدگی به پرونده پیش‌گفته، تصمیم به اعمال ماده ۱۶ گرفت تا دریابد که آیا خواننده مسئول شرکت در جرم است یا خیر. (ICJ Report, 2007: 43 and (217) به‌طور کلی، باید توجه داشت که «هیچ‌گونه محدودیتی در شکل کمک یا همراهی وجود ندارد» (Crawford, 2013: 402) و در نتیجه هر کمک یا مساعدتی می‌تواند رکن مادی ماده ۱۶ را تشکیل دهد. کمک یا مساعدت



می‌تواند از طریق تأمین تسلیحات، جنگنده‌های نظامی، تجهیزات راداری و جز این‌ها انجام شود (Brownlie, 1983: 191) یا حتی به شکل «حقوقی» یا «سیاسی» متبلور گردد؛ (Lanovoy, 2014: 144) از جمله آن که دولت مساعدت کننده با استفاده از نفوذ بین‌المللی‌اش، چتر حمایتی برای وقوع تخلف از سوی دولت مباشر فراهم آورد.

آن‌چه که برای تحقق رکن مادی مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت اهمیت دارد، نه «چگونگی» عمل انجام شده بلکه «درجه» دخالت آن در تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی است. (Lanovoy, 2014: 144) اقدام انجام شده به قصد مساعدت، نباید حالت «مباشر بودن» در عمل متخلفانه را پیدا کند که نه تنها ورا کمک یا مساعدت قرار می‌گیرد؛ بلکه موجب مسئولیت مستقیم آن دولت می‌شود. (Dominice, 2010: 285) پس همان‌گونه که «نیکلای اوشاکف»، یکی از اعضای وقت کمیسیون در مباحث راجع به ماده ۲۵ پیش‌نویس سال ۱۹۷۸ گفته بود، همکاری باید مستقیم باشد نه بیش از اندازه. چون همکاری به مشارکت در جرم تبدیل می‌کند و فراتر از آن می‌رود. از سوی دیگر، اگر همکاری بیش از اندازه غیرمستقیم باشد، ممکن است عملاً هیچ‌گونه کمکی انجام نگیرد. (ILC Ybook, 1978: 239)

توضیحات ذیل ماده ۱۶ پیش‌نویس حاوی هیچ رویه‌ای در خصوص کمک یا مساعدت ناشی از ترک فعل نیست، اما این حقیقت، نباید به ضرر ترک فعل به‌عنوان رکن مادی کمک یا مساعدت تفسیر شود؛ چرا که عموماً کمیسیون در مورد این مسئله ساکت است. (Aust, 2011: 227) در مجموع می‌توان گفت که پیش‌نویس، در زمینه مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، مبین هیچ محدودیتی در مورد محتوا و نوع مساعدت نیست. دیوان طی رسیدگی به قضیه

1. Nikolai Ushakov.

«اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی» اعلام داشت که «همکاری (در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی) همواره مستلزم آن است که برخی اقدامات مثبت برای ارائه کمک یا مساعدت به مرتکب نسل‌زدایی صورت گرفته باشد... همکاری از فعل ناشی می‌شود.» (ICJ Report, 2007: 179-180)

از تازه‌ترین کتابی که آخرین گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت قلم زده است می‌توان برداشت کرد که ماده ۱۶ تنها ناظر بر افعال مثبت است و ترغیب فعالانه و صرف ترک فعل برای اثبات مسئولیت دولت همکاری‌کننده کافی به‌شمار نمی‌آید. (Crawford, 2013: 405)

حال آن‌که آقای لانووی به‌درستی اظهار می‌دارد که دیدگاه پیش گفته با آنچه در ماده ۲ از طرح ۲۰۰۱ آمده است مغایرت دارد؛ چرا که به‌لحاظ اصولی هیچ تفاوتی میان فعل و ترک فعل ندارد و اساس تخلف بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت در این مجموعه بر فعل و ترک فعل بنا شده است و فعل و ترک فعل هر یک به‌تنهایی می‌توانند بستر مسئولیت بین‌المللی دولت را فراهم آورند. (ARSIWA, 2001: 35) به این ترتیب، فعل یا ترک فعلی که به‌روشنی با ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مرتبط باشد، می‌تواند کمک یا مساعدت در مفهوم ماده ۱۶ پیش‌نویس تلقی شود. (Graefrath, 1996: 324)

۲-۱. کمک یا مساعدت دولت به سازمان بین‌المللی

این فرض متصور است که کمک یا مساعدت سازمان بین‌المللی برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی منجر به نقض تعهداتی شود که از قواعد اولیه برای آن دولت ناشی می‌شوند. به‌همین خاطر ماده ۵۸ از مجموعه پیش‌نویس مواد ۲۰۱۱ در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به مسئولیت دولت در قبال کمک یا مساعدت سازمان بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌پردازد. منظور این ماده تنها متوجه دولت عضو سازمان کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده

در ارتکاب عمل متخلفانه نیست؛ بلکه چنانچه شرح و تفسیر این کمیسیون اذعان می‌دارد «دولت» مذکور در این ماده می‌تواند «دولت غیر عضو سازمان» باشد. نیز مدت عضویت دولت در سازمان بین‌المللی هیچ تأثیری بر کم و کیف کاربست این ماده ندارد. وفق حالت ترسیمی در ماده ۵۸، دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده می‌تواند دولت عضو یا غیر عضو سازمان باشد. اگر دولت عضو باشد و عمل آن مطابق با قواعد سازمانی باشد که به عضویت آن درآمده است مسئولیت آن دولت از بابت کمک یا مساعدت را به دنبال نخواهد داشت. (ARIO, 2011: 158) البته این امکان وجود دارد که همین دولت را بتوان بر اساس طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مسئول دانست.

ماده ۵۸ از طرح ۲۰۱۱ کمیسیون این گونه مقرر می‌دارد:

«۱. دولتی که در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به سازمان کمک می‌کند یا در ارتکاب آن عمل مساعدت می‌نماید، در صورتی از بابت انجام چنین کاری مسئولیت خواهد داشت که:

الف) دولت مذکور با علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی مبادرت به انجام این کار کرده باشد؛

ب) اگر خود دولت مذکور نیز آن عمل را انجام می‌داد آن عمل به لحاظ بین‌المللی متخلفانه محسوب می‌شد.

۲. عمل دولت عضو سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام شود، به موجب مفاد این ماده باعث تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نیست.» از آثار و نتایج برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی آن است که دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشند. (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۱۱۶) در واقع، سازمان بین‌المللی برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی مستقل، (ICJ Report, 1980: 89-90) در صورتی که از رهگذر هر وظیفه یا کارکرد خود، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی گردد، قطعاً موجبات مسئولیت آن فراهم

می‌شود. (زمانی، ۱۳۹۳: ۳۰۸-۳۰۹) در این باره شایسته توجه است که مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان در ارتباط با کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه در چارچوب قواعد سازمانی و آثار مترتب بر احراز شخصیت حقوقی سازمان‌ها ناشی از مسئولیت سازمان ذی‌ربط است نه دولت به‌طور مستقل. در خصوص بند دوم، نکته لطیفی وجود دارد و آن، این‌که اگر دولت عضو سازمان بین‌المللی مطابق با قواعد سازمان بین‌المللی که به عضویت آن درآمده است مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی گردد، به‌موجب مفاد ماده ۵۸ مسئولیت نخواهد داشت ولی این به‌مثابه بی‌مسئولیت مانی آن دولت نیست؛ بلکه به‌موجب ماده ۶۱ از مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون، مسئولیت این دولت ناشی از شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی است که در ادامه و در ذیل مباحث مربوط به مسئولیت ناشی از شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی به‌دقت بررسی شده است. در واقع این دولت با عضویت در سازمان بین‌المللی که مقرر آن سازمان مغایر با دیگر تعهدات بین‌المللی دولت مطروح بوده است، به هیچ‌وجه نمی‌تواند و نباید از تعهدات بین‌المللی خود بگریزد یا از آنان طفره رود. البته در این باره، علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت که بدان اشاره شد، بحث مسئولیت سازمان بین‌المللی نیز مطرح است؛ لیکن از دایره مطالعاتی این جستار که بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تمرکز کرده است، خارج می‌باشد.

۳-۱. تسهیم مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت

ماده ۴۷ از طرح ۲۰۰۱ که تحت عنوان «تعدد دولت‌های مسئول» آمده است این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان بیش از یک دولت را مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی دانست. همین ماده در قسمت (ب) از دومین بند خود مقرر می‌دارد که اگر بیشتر از یک دولت مسئول زیان و خسارت واحد باشند هر یک به اندازه نقشی که ایفا کرده است مسئولیت دارد. نیز در خصوص گستره حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، ماده ۴۸ از طرح ۲۰۱۱ در راستای همان



جریان ماده ۴۷ طرح مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت تقریر یافته است و این امکان را می‌سازد تا بتوان بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی را در قبال یک عمل متخلفانه مسئول دانست. در خصوص تسهیم مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت باید در نظر داشت که دولت یا سازمان بین‌المللی ارائه‌کننده کمک یا مساعدت تنها تا اندازه‌ای که رفتارش موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد مسئول دانسته می‌شود. به همین خاطر در مواردی که عمل متخلفانه بین‌المللی رخ می‌دهد، مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی کمک‌کننده یا مساعدت دهنده شامل جبران خسارت خود عمل نمی‌شود. (ARSIWA, 2001: 66)

ارائه‌کننده کمک یا مساعدت، تنها مسئول رفتار خود است. وفق دو آورده نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی از بابت کمک یا مساعدت، مسئولیت اصلی بر عهده آن دولت یا سازمان بین‌المللی است که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است. در این وضعیت، دولت کمک‌کننده صرفاً نقش حمایتی دارد. مقرره‌های مربوط به کمک یا مساعدت ضرورتاً متضمن کنترل دولت یا سازمان بین‌المللی کمک‌کننده یا مساعدت دهنده بر مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی نیستند. مصداق کمک یا مساعدت، هرچه که باشد، متمایز از کنترل است. (Fry, 2014: 116-117) هم‌چنین اگر ارگان ذی‌ربط دولت مباشر صرفاً «در اختیار» دولت متقاضی قرار گیرد، در مفهوم ماده ۲۶ طرح ۲۰۰۱ تنها دولت متقاضی، مسئول عمل مورد بحث خواهد بود. (ARSIWA, 2001: 64) به این ترتیب، تسهیم مسئولیت ناشی از کمک یا

1. At the Disposal.

۲. ماده ۶ از طرح ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «رفتار ارگان دولتی که در اختیار دولت دیگر قرار می‌گیرد به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت اخیر تلقی می‌شود اگر آن ارگان در اعمال عناصری از اقتدارات حکومتی دولتی که در اختیار او قرار گرفته است اقدام کند.» (ابراهیم گل؛ علیرضا، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تضامنی نیست.^۱ (Quigley, 1986: 77) به‌طور مثال، کمک و مساعدت ایالات متحده آمریکا به عراق در به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی طی جنگ تحمیلی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، مصداق بارز مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت است. در این باره آمریکا به‌موجب مسئولیت اشتقاقی، باید جبران خسارت نماید و عراق به‌موجب مسئولیت مستقل (ستایش‌پور؛ عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

۲. هدایت و کنترل^۲ در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

دومین وضعیتی که با تحقق آن مسئولیت غیرمستقیم یا اشتقاقی قابل اعمال است، وضعیتی است که از آن به اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دیگری یاد می‌شود. شایسته توجه است که ماده ۸ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ با عنوان انتخابی «رفتار هدایت یا کنترل شده توسط دولت» به آن دسته از رفتارهای شخص یا گروهی از اشخاص می‌پردازد که تحت دستور، هدایت یا کنترل دولت عمل می‌کنند که به‌موجب حقوق بین‌الملل عمل دولت تلقی می‌شود. این در حالی است که موضوع نوشتار پیش‌رو مسئولیت از بابت اعمال هدایت و کنترل است و لذا ماده ۸ از گستره موضوعات مورد بررسی این نوشتار خارج است و به‌طور کلی باید دقت داشت که «هدایت یا کنترل» مندرج در ماده ۸ متفاوت از «هدایت و کنترل» مذکور در مواد مربوط به مسئولیت اشتقاقی (ماده ۱۷ طرح ۲۰۰۱ و مواد ۱۵ و ۵۹ طرح ۲۰۱۱) است.

۱. در خصوص مسئولیت تضامنی بنگرید به:

Joint Responsibility in International Law: Revisiting the Oil Platforms Case, in Presentation of "The intricacies of joint and several responsibility", by A. Nollkaemper, University of Amsterdam-Faculty of Law, 24 May 2012. available at: <http://www.sharesproject.nl/?s=joint+responsibility>

2. Direction and Control.

۱-۲. هدایت و کنترل اعمال دولت

دیگر حالت حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی دولت به آن گونه که طرح ۲۰۰۱ کمیسیون بیان داشته است، اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است. ماده ۱۷ از این مجموعه مواد بدین امر پرداخته است. این ماده که عنوان «اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی» را به خود گرفته است مقرر می‌دارد: «دولتی که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را هدایت و کنترل می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئول آن عمل خواهد بود:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط عمل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛
 ب) عمل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت یک عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شد.»

به موجب این ماده تنها به شرطی می‌توان دولت مسلط را مسئول دانست که از شرایطی که موجب متخلفانه شدن رفتار دولت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی شده است آگاهی داشته باشد. دیگر این که اگر عمل ارتكابی را خودش انجام می‌داد باز هم عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شد. با ابتناء بر آنچه که در این ماده آمده است منظور از به‌کارگیری لفظ «کنترل» این بوده است که به وضعیت‌های تسلط و برتری یک یا چند دولت بر ارتکاب رفتار متخلفانه از سوی دولت یا دولت‌های دیگر اشاره داشته باشد. البته چنان‌چه در شرح و تفسیر صورت گرفته از این ماده هم آمده است نباید این برتری و تسلط مستتر در مفهوم «هدایت» را به‌منزله برتری کامل تلقی کرد. کرافورد بر این باور است که «کنترل» یعنی «تسلط بر ارتکاب رفتار متخلفانه». این ماده تنها ناظر بر وضعیت‌هایی است که در آن‌ها دولت مسلط، هدایت و کنترل عملی بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت وابسته را اعمال می‌کند و در واقع استفاده از واژه «کنترل» حکایت از تسلط بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

دارد و صرف نظارت، اثرگذاری و نقش داشتن به‌منزله «کنترل» مندرج در این ماده نیست. نیز انگیزه دادن، تشویق کردن، تحریک و اموری از این دست مشمول این ماده نمی‌شوند. «هدایت» باید واقعی^۱ و عملیاتی^۲ (بالفعل) باشد. (ARSIWA, 2001: 68) لذا صرف کنترل کلی کفایت نمی‌کند؛ بلکه هدایت و کنترل باید واقعی باشند. شرح و تفسیر کمیسیون از این ماده اظهار می‌دارد که نه تنها صرف تأثیر گذاشتن یا مربوط بودن عمل دولت در ارتکاب عمل متخلفانه از سوی دولت دیگر را نمی‌توان هدایت و کنترل مذکور در این ماده قلمداد کرد؛ بلکه نظارت دولت در ارتکاب عمل متخلفانه از سوی دولت دیگر را هم باید از دایره شمول این ماده خارج دانست. در این حالت، دولت تحت هدایت و کنترل، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌شود اما این امر مانع از مسئول دانستن دولت اعمال‌کننده هدایت و کنترل نیست.

بنابر آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل، برخلاف ماده ۱۶ که با به‌کارگیری «یا» اظهار می‌دارد که یا کمک یا مساعدت کافی به‌حساب می‌آید، ماده ۱۷ با به‌کار بردن عبارت «هدایت و کنترل» مقرر می‌دارد که هم باید تحت کنترل باشد هم تحت هدایت. این در حالی است که نه ماده ۱۶ تعریف دقیقی از «کمک یا مساعدت» ارائه می‌دهد و نه ماده ۱۷ به‌روشنی مشخص می‌کند که تفاوت میان «هدایت و کنترل» در چیست. از این‌رو مصادیق و دایره شمول آن به‌طور کامل مشخص نیست. (Fry, 2014: 118) با این‌همه، کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که بیشتر در بوته آزمون تاریخ می‌توان به‌دنبال یافتن مصادیقی بود که مشمول این حالت می‌شوند. به این شرح که در روابط وابستگی بین-المللی نظیر تحت‌الحمایگی یا تیولرداری، دولت حامی به‌لحاظ بین‌المللی مسئول

1. Actual.
2. Operative.

رفتاری بود که دولت وابسته یا همان دولت تحت‌الحمایه، مباشر آن بود. با توجه به استعمار زدایی و تحولات صورت گرفته در روابط بین‌الملل، روابط وابستگی هم به‌ایستگاه پایانی خود رسیدند. دیگر روابط وابستگی مانند سرزمین‌های وابسته مشمول مقررہ این ماده نمی‌شوند. شایسته توجه است که مسئولیت دولت از بابت اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی تنها به مسئولیت دولت در ارتباط با رفتار دولت دیگر می‌پردازد.

۲-۲. هدایت و کنترل اعمال سازمان بین‌المللی

ماده ۵۹ از طرح ۲۰۱۱ به اعمال هدایت و کنترل دولت بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط سازمان بین‌المللی می‌پردازد. «دولت» مذکور در این ماده می‌تواند شامل دولت عضو یا غیر عضو سازمان شود. نظیر کمک یا مساعدت مذکور در ماده ۵۸ و شرح و تفسیر مربوط به این ماده، در این حالت هم باید میان مشارکت یک دولت در فرآیند تصمیم‌گیری طبق قواعد ذی‌ربط و کنترل و هدایتی که مشمول مندرجات این ماده می‌شوند قایل به تفکیک شد. (ARIO, 2001: 159-160) ماده ۱۵ از همین طرح به حالتی می‌پردازد که سازمان بین‌المللی، یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی هدایت یا کنترل کند؛ اما ماده ۵۹ از مجموعه مواد پیش گفته به بررسی وضعیتی می‌پردازد که در آن کنترل و هدایت توسط دولت صورت می‌پذیرد. ناگفته نماند که در ادبیات پردازی هر دو ماده ۱۵ و ۵۹ طرح ۲۰۱۱ از ماده ۱۷ طرح ۲۰۰۱ بهره گرفته شده است و شباهت‌های بسیاری میان آن‌ها به چشم می‌خورد.

قسمت‌های (الف) و (ب) نخستین بند از ماده ۵۹، شرایط تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی دولت در این‌گونه موارد را بیان می‌دارد. بند دوم از این ماده هم به این مهم می‌پردازد که اگر سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل دولت دست به



ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بزند ولی دولت اعمال کننده هدایت و کنترل مطابق قواعد سازمان مزبور عمل کرده باشد مفاد ماده ۵۹ از طرح ۲۰۱۱ قابل اعمال نخواهد بود و آنچه در این ماده آمده است مشمول فرض فوق نمی‌شود. دلیلی برای تفکیک میان موارد کنترل و هدایت یک دولت توسط دولت دیگر در راستای ارتکاب عمل متخلفانه با این مورد وجود ندارد که در آن یک دولت، سازمان بین‌المللی را در راستای ارتکاب عمل متخلفانه کنترل و هدایت می‌کند. ماده ۵۹ که عنوان «اعمال هدایت و کنترل دولت بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط سازمان بین‌المللی» برای آن انتخاب شده است مقرر می‌دارد:

«۱. دولتی که سازمان بین‌المللی را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی هدایت می‌کند یا آن اعمال را کنترل می‌نماید در صورتی از بابت آن عمل مسئولیت خواهد داشت که:

الف) دولت مذکور با علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی مبادرت به انجام این کار کند؛

ب) اگر خود دولت مذکور هم آن عمل را انجام می‌داد آن عمل به لحاظ بین‌المللی متخلفانه محسوب می‌شد.

۲. عمل دولت عضو یک سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام شود به موجب مفاد پیش‌نویس این ماده باعث تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌شود.»

۳-۲. تسهیم مسئولیت ناشی از هدایت و کنترل

چنانچه ماده ۴۷ از مجموعه مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت، احتمال مسئولیت داشتن بیش از یک دولت در رابطه با یک عمل متخلفانه را ممکن دانسته و ماده ۴۸ از مجموعه مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم مسئول دانستن سازمان بین‌المللی را مانع از مسئولیت داشتن دولت و سازمان بین‌المللی دیگر نمی‌داند، در باب تسهیم مسئولیت ناشی از اعمال



هدایت و کنترل شایسته بیان است که دولت یا سازمان بین‌المللی اعمال کننده هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به آن گونه که طرح ۲۰۰۱ در ماده ۱۷ و طرح ۲۰۱۱ در ماده ۱۵ خود مقرر داشته‌اند مسئول کل تخلف بین‌المللی صورت گرفته از سوی مباشر آن عمل هستند. زیرا در چنین حالتی اعمال کننده هدایت و کنترل، کل عمل متخلفانه بین‌المللی مطروح را تحت هدایت و کنترل خود داشته است. به همین خاطر منطقی می‌نماید که در چنین حالتی بتوان سخن از مسئولیت تضامنی به میان آورد؛ یعنی مسئولیت تضامنی میان مباشر و اعمال کننده هدایت و کنترل. به این شرح که اگر فعل مزبور عمل متخلفانه بین‌المللی مباشر آن عمل هم قلمداد گردد زیان دیده حق خواهد داشت که کل جبران خسارت را از هریک از این دو که بخواهد مطالبه کند. کمیسیون از آوردن عبارت مسئولیت تضامنی احتراز کرده است چرا که این عبارت در نظام‌های داخلی متفاوت معانی گونه‌گونی می‌دهد. آن چه که در این باره اهمیت دارد این است که در چنین حالتی، زیان دیده حق دارد جبران کل خسارت را از اعمال کننده هدایت و کنترل تقاضا کند. شایسته توجه است که مطابق ماده ۴۷ از طرح ۲۰۰۱ و ماده ۴۸ از طرح ۲۰۱۱، این حق برای زیان دیده نباید به امکان مطالبه چیزی بیش از خسارات وارد شده بیانجامد. بر خلاف حالت کمک یا مساعدت که مصادیق آن در جامعه کنونی بین‌المللی بسیار است، مصادیق هدایت و کنترل کمتر است. این در حالی است که پیش‌تر با وجود دول وابسته یا تحت‌الحمایه و دول حامی این حالت به وفور وجود داشته است. مصادیقی که امروزه قابل تصور است و می‌توان برای آن برشمرد اشغال سرزمین توسط قوای نظامی کشور دیگر است. به‌طور مثال، در صورتی که محرز گردد نیروهای نظامی غربی به بهانه مقابله با دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در عراق با رضایت این کشور، هدایت و کنترل بخشی از خاک عراق را به‌دست گرفته‌اند، آن‌گاه ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی این نیروها



تسهیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از... ۱۶۷

متضمن مسئولیت اشتقاقی ناشی از اعمال هدایت و کنترل است. این در حالی است که حضور نیروهای نظامی موسوم به ائتلاف ضد داعش در سوریه متضمن مسئولیت مستقل آن‌ها است نه مسئولیت اشتقاقی؛ چرا که دولت مستقر و قانونی سوریه بارها بر غیرقانونی بودن حضور این نیروها در سرزمین کشور خود تأکید کرده است. از این روست که با توجه به عدم رضایت دولت سوریه، مسئولیت اشتقاقی در خصوص اعمال متخلفانه بین‌المللی نیروهای نظامی موسوم به ائتلاف ضد داعش قابل اعمال نیست ولی عملکرد آن‌ها مصداق تجاوز، نقض تمامیت سرزمین و نقض حاکمیت دولت - کشور سوریه بوده (طباطبائی؛ شارق، ۱۳۹۵: ۱۹۷) و از این حیث است که نیروهای نظامی پیش گفته مسئولیت مستقل دارند نه اشتقاقی. نکته جالب در خصوص مسئولیت اشتقاقی ناشی از هدایت و کنترل، این است که نحوه تسهیم مسئولیت، به صورت تضامنی می‌باشد.

۳- اجبار^۱

وضعیت دیگری که با پیش آمدن آن امکان بار کردن مسئولیت اشتقاقی فراهم می‌گردد اجبار است. امکان پیش آمدن این مورد در هر دو گستره حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قابل تصور است.

۳-۱. اجبار دولت

ماده ۱۸ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت مأمور مطالعه سومین حالت از حالت‌های سه‌گانه حصری داخل در دایره این مجموعه مواد شده است. به موجب این ماده، دولتی که دولت دیگر

را به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی اجبار کند، مسئول تلقی می‌شود.^۱ ماده ۱۸ از طرح ۲۰۰۱ که به «اجبار دولت دیگر» می‌پردازد به این گونه نگارش شده است: «دولتی که دولت دیگر را به ارتکاب عملی مجبور می‌کند مسئولیت بین‌المللی دارد در صورتی که آن عمل:

الف) صرف‌نظر از آن اجبار، عمل متخلفانه بین‌المللی ارتكابی دولت تحت اجبار قلمداد شود؛

ب) دولت اجبار کننده با آگاهی از شرایط عمل متخلفانه به این کار اقدام کرده باشد.»

در صورتی می‌توان سخن از تحقق «اجبار» مندرج در این ماده به میان آورد که آن «اجبار»، آگاهانه برای نقض تعهد دولت در قبال دولت ثالث صورت پذیرد. نکته‌ای که در این خصوص بسیار دارای اهمیت می‌باشد آن است که مسئولیت ترسیمی ماده ۱۸ مسئولیت دولت اجبار کننده در مقابل دولت ثالث زیان دیده است و نه دولت تحت اجبار؛ نکته ظریف این جاست که مسئولیت دولت اجبار کننده ناشی از اجبار صورت گرفته نیست، بلکه ناشی از رفتار متخلفانه دولت تحت اجبار است.

کمیسیون تنها در صورتی دولت را تحت اجبار^۲ قلمداد می‌کند که دولت مزبور هیچ راه دیگری مگر تسلیم شدن در برابر «اجبار» نداشته باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت تحت اجبار را دولتی دانسته است که اهلیت گرفتن تصمیم از او سلب شده باشد. (ILC Ybook, 1979: 102) اجبار باید به اندازه‌ای باشد که بر اراده دولت مجبور اثر بگذارد و آن دولت هیچ راهی جز تسلیم شدن در

۱. همسو با این موضوع در باب سازمان‌های بین‌المللی بنگرید به مواد ۱۶ و ۶۰ از طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی.

۲. جهت مطالعه دیدگاهی انتقادی بر این موضع کمیسیون بنگرید به:

J. D. Fry, Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility, *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, vol. 40, 2007, p. 629. available at: <http://www.vanderbilt.edu/jotl/manage/wp-content/uploads/Fry.pdf>

برابر خواسته دولت اجبار کننده نداشته باشد. برای این که بتوان دولت را ناچار به تن در دادن به خواسته اجبار کننده دانست صرف این که اجرای تعهد مشکل‌تر یا سخت‌تر شود به هیچ وجه کافی نیست. در خصوص حالت اجبار مقرر در این ماده شایسته توجه است که در این وضعیت، دولت اجبار کننده عملی را از دولت تحت اجبار می‌خواهد که آن عمل، تخلف بین‌المللی قلمداد می‌گردد. به بیان دیگر، اگر ادعا شود که دولتی با خواست خود دولت مورد تقاضا را در انجام تعهدات خود به‌سختی انداخته است هرگز نمی‌توان دولتی که چنین درخواستی کرده است را دولت اجبار کننده و دولت مورد درخواست را دولت تحت اجبار خواند. چنانچه کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح و تفسیر این ماده اظهار داشته و در طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم به آن اشاره کرده است، اجبار مذکور در ماده ۱۸، همان ویژگی اساسی قوه قاهره^۱ که در ماده ۲۳ از هر دو پیش‌نویس ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ آمده است را دارد.^۲

1. Force majeure.

۲. قوه قاهره یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه عمل است که در هر دو آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی مطمح نظر قرار گرفته است. ماده‌های ۲۳ از هر دو مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ عهده‌دار رسیدگی به قوه قاهره شده‌اند. طرح ۲۰۰۱ در تبیین قوه قاهره این گونه مقرر می‌دارد: «۱. وصف متخلفانه عمل دولت که مطابق با تعهدات بین‌المللی آن دولت نباشد، زایل می‌شود، در صورتی که آن عمل به دلیل قوه قاهره انجام شده باشد؛ یعنی وقوع نیروی غیرقابل پرهیز یا پیشامدی غیرقابل پیش‌بینی که از کنترل آن دولت خارج باشد و اساساً در آن اوضاع و احوال، اجرای تعهد را غیرممکن سازد. ۲. بند ۱ اعمال نمی‌شود در صورتی که: الف) وضعیت قوه قاهره چه به تنهایی و چه همراه با دیگر عوامل، ناشی از رفتار دولتی باشد که به آن استناد می‌کند؛ یا، ب) آن دولت خطر این که چنین وضعیتی رخ دهد را برعهده گرفته باشد.» (ARSIWA, 2001: 76)

نیز طرح ۲۰۱۱ با عباراتی مشابه چنین به قلم کشیده شده است: «۱. وصف متخلفانه عمل سازمان بین‌المللی که مطابق با تعهدات بین‌المللی آن سازمان نباشد، زایل می‌شود، در صورتی که آن عمل به دلیل قوه قاهره انجام شده باشد؛ یعنی وقوع نیروی غیرقابل پرهیز یا پیشامدی غیرقابل پیش‌بینی که از کنترل آن سازمان خارج باشد و اساساً در آن اوضاع و احوال، اجرای تعهد را غیرممکن سازد. ۲. بند ۱ اعمال نمی‌شود در صورتی که: الف) وضعیت قوه قاهره، چه به تنهایی و چه همراه با دیگر عوامل، ناشی از رفتار سازمانی باشد که به آن استناد می‌کند؛ یا، ب) آن سازمان خطر این که چنین وضعیتی رخ دهد را برعهده گرفته باشد.» (ARIO, 2011: 116)

این ترتیب، «اجبار» مندرج در ماده ۱۸ باید به گونه‌ای باشد که مصداق تحقق قوه قاهره برای طرف تحت اجبار قلمداد گردد.

نیز شایسته بیان است که اگرچه جامعه بین‌المللی نظاره‌گر «اجبار» غیر قانونی بوده است اما اجبار می‌تواند قانونی هم باشد. «اجبار» می‌تواند به شکل‌های گونه‌گونی صورت پذیرد. به‌طور مثال، فشار اقتصادی شدیدی که دیگر شرایط «اجبار» مورد اشاره در ماده ۱۸ را داشته باشد بستر اعمال این ماده را مهیا می‌سازد. با اندکی تأمل در ادبیاتی که طرح ۲۰۰۱ برای تقریر ماده ۱۸ به‌کار بسته است و مقایسه آن با عبارت‌پردازی همین نهاد علمی در نگارش دو ماده ۱۶ و ۱۷ می‌توان دریافت که در عبارت آغازین ماده مربوط به «اجبار» از وصف «متخلفانه بین‌المللی» استفاده نشده است، این در حالی است که این وصف در عبارت آغازین هر دو ماده پیشین آمده است. این تفاوت از آن جهت است که اجبار صورت گرفته وفق ماده ۱۸، قوه قاهره را به‌دنبال دارد و مطابق با ماده ۲۳، قوه قاهره از عوامل رافع وصف متخلفانه بین‌المللی عمل قلمداد می‌گردد. دیگر تفاوتی که میان ماده ۱۸ و دو ماده پیش از آن خودنمایی می‌کند آن است که هیچ شرطی در خصوص لزوم التزام دولت اجبار کننده به تعهد مربوط وجود ندارد. وفق آن‌چه در ماده ۱۸ آمده است صرف این‌که عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکابی دولت تحت اجبار تلقی گردد کفایت می‌کند و دیگر مقرره‌ای ندارد که حاکی از آن باشد که اگر فعل مزبور توسط خود دولت اجبار کننده هم ارتکاب می‌یافت عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد. این در حالی است که چنین مقرره‌ای در هر دو ماده ۱۶ و ۱۷ که ذیل همین بخش از طرح ۲۰۰۱ قرار گرفته‌اند آورده شده است. کمیسیون هوشمندانه از آوردن چنین مقرره‌ای در ماده ۱۸ پرهیز کرده است چرا که اگر شرط التزام دولت اجبار کننده در این ماده به‌میان می‌آمد، آن‌گاه با توجه به امکان استناد دولت تحت اجبار به عوامل رافع وصف متخلفانه بودن عمل، دولت ثالث زیان دیده



هیچ راه جبرانی را فراروی خود نمی‌یافت. از این‌رو برخلاف آنچه که در دو ماده ۱۶ و ۱۷ آمده است، به‌موجب مفاده ماده ۱۸ صرف‌نظر از التزام یا عدم التزام دولت اجبار کننده به تعهد مورد بحث، این دولت مسئول کل عمل ارتكابی از سوی دولت تحت اجبار است.

۲-۳. اجبار سازمان بین‌المللی

ماده ۶۰ از طرح ۲۰۱۱ که عنوان «اجبار سازمان بین‌المللی توسط دولت» را برای خود برگزیده است این چنین مقرر می‌دارد: «دولتی که سازمان بین‌المللی را مجبور به ارتكاب عمل متخلفانه می‌کند در صورتی مسئول آن عمل خواهد بود که:

الف) آن عمل، صرف‌نظر از اجبار، عمل متخلفانه سازمان تحت اجبار محسوب شود؛

ب) دولت اجبار کننده با علم به اوضاع و احوال آن عمل مبادرت به چنین امری کرده باشد.»

شرایط گفته شده در این ماده به‌سان ضوابط مندرج در ماده ۱۸ طرح ۲۰۰۱ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است. نیز نکته درخور اهمیت در این خصوص آن است که «دولت» مذکور در این ماده تنها متوجه دولت عضو سازمان مربوط نیست بلکه می‌تواند دولت غیرعضو آن سازمان را هم شامل شود. شایسته توجه است که برخلاف دو ماده پیشین از همین بخش، دیگر سخن از بند دوم به این شرح رانده نمی‌شود: «عمل دولت عضو سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام می‌شود به‌موجب مفاد پیش‌نویس این ماده باعث تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌شود». این در حالی است که عین این عبارت در بند دوم هر دو ماده ۵۸ و ۵۹ آمده است. علت این امر آن است که احتمال مطابقت اجبار صورت گرفته توسط دولت‌های عضو سازمان با قواعد آن سازمان بسیار اندک است. با این‌همه نمی‌توان به‌طور کلی فرض بر

غیرقانونی بودن اجبار گذاشت. لذا این امکان متصور است که چنین «اجباری» از راه‌های قانونی هم چون فشار اقتصادی شدید باشد (ARIO, 2011: 160 – 161).

۳-۳. تسهیم مسئولیت ناشی از اجبار

در این حالت برخلاف دو حالت قبل، این امکان وجود دارد که دولت یا سازمان بین‌المللی تحت اجبار، اختیار و توانایی خود را به‌طور کامل از دست داده باشد و به‌بیانی بهتر در انجام عمل متخلفانه بین‌المللی، ناچار به زانو زدن در برابر اعمال‌کننده اجبار بوده باشد. همین امر سبب می‌شود تا این امکان وجود داشته باشد که هیچ مسئولیتی بر دولت یا سازمان بین‌المللی تحت اجبار بار نگردد و در عوض، طرف اجبار‌کننده مسئول کل عمل ارتكابی از سوی طرف دیگر قلمداد شود. (Fry, 2007: 629) چرا که در چنین حالتی فرض بر آن گرفته می‌شود که اگر اجبار صورت نمی‌گرفت عمل متخلفانه‌ای هم صورت نمی‌پذیرفت. در چنین وضعیتی دولت یا سازمان بین‌المللی اجبار‌کننده مسئولیت کل عمل ارتكابی از سوی مجبور را باید به دوش بکشد. در این قبیل موارد اگر به بهانه‌ای نظیر عدم التزام اجبار‌کننده به تعهد مورد بحث، اجبار‌کننده بتواند از زیر بار مسئولیت نقض ارتكابی از سوی مجبور بگریزد، آن‌گاه با توجه به امکان استناد مجبور به قوه قاهره، راهی برای جبران از زیان دیده ثالث باقی نمی‌ماند. از این‌رو به‌درستی گفته شده است که در چنین وضعیتی تمام بار مسئولیت بر شانه‌های اجبار‌کننده خواهد بود. در این‌باره احراز این مطلب که فشارهای ایالات متحده آمریکا و انگلستان بر برخی کشورهای عربی و آفریقایی نظیر سودان و سودان جنوبی برای رفتار در راستای سیاست‌های مدنظر این دو کشور غربی به آستانه مقتضی برای اعمال اجبار رسیده است، آن‌گاه دولت سودان و به‌خصوص سودان جنوبی، دول تحت اجبار به‌شمار می‌روند و لذا تا آن‌جا که



اعمال متخلفانه و نقض تعهدات بین‌المللی این دو کشور به واسطه اجبار باشد، تنها ایالات متحده آمریکا و انگلستان به‌عنوان اجبار کننده مسئولیت خواهند داشت و نه دو دولت سودان و سودان جنوبی که تحت اجبار قلمداد می‌گردند.

۴. شانه خالی کردن^۱ از تعهد بین‌المللی

روابطی که میان یک سازمان و اعضای آن وجود دارد این بستر را میسر می‌سازد که سازمان بین‌المللی بتواند به‌گونه‌ای در عملکرد اعضایش نقش داشته باشد. همان‌طور که پذیرفته شده و بارها بر آن تأکید گشته است، برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی بین‌المللی به این معناست که در مقابل حقوقی که از آن برخوردارند تعهداتی هم بر عهده دارند؛ لذا چنان‌چه نماینده اتریش در مباحث طرح شده در کمیته ششم سازمان ملل متحد اظهار داشت (نباید این امکان برای سازمان‌های بین‌المللی فراهم شود که بتوانند پشت عاملان خود از مسئولیت شانه خالی کنند.) «United Nation's General Assembly Resolution, 2004: 5) افزون بر این باید شاکله مسئولیت بین‌المللی به‌گونه‌ای تنظیم شود و نسق یابد که دولت عضو سازمان نتواند از بار تعهداتی که بر عهده دارد بگریزد. (Fry, 2014: 124) کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد هم با اشراف بر این دو مهم در طرح ۲۰۱۱ خود در دو جا بدین مقوله پرداخته است. نخست در فصل چهارم از بخش دوم، به‌عنوان

۱. «شانه خالی کردن» در اینجا برگردان «Circumvention» است. به‌رغم اشکالاتی که ممکن است نسبت به این ترجمه وجود داشته باشد، از آن‌جا که این مفهوم در ادبیات داخلی مفهومی تازه وارد است و پیش از این در ترجمه‌ای که از طرح ۲۰۱۱ شده، عبارت «شانه خالی کردن» به‌کار رفته، در این مقاله نیز از همین عبارت استفاده شده است. با این‌همه، عبارت «دور زدن» یا «گریز» می‌تواند جایگزین این عبارت گردند. برای مشاهده ترجمه طرح ۲۰۱۱ بنگرید به عبدالله عابدینی و خلیل روزگاری. (۱۳۹۳). حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، خرسندی.

چهارمین مورد از موارد حصری داخل در «مسئولیت سازمان بین‌المللی در ارتباط با عمل دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر» به «شانه خالی کردن از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضاء» پرداخته است. سپس در بخش پنجم (مسئولیت دولت در ارتباط با رفتار سازمان بین‌المللی) از همان مجموعه مواد به تبیین «شانه خالی کردن دولت عضو از تعهد بین‌المللی» مبادرت ورزیده است. (ARIO, 2011: 107) جستار پیش‌رو به فراخور نظم نگارشی که از آن پیروی می‌کند نخست به مسئولیت دولت و پس از آن به مسئولیت سازمان بین‌المللی در این‌باره می‌پردازد.

۱-۴. شانه خالی کردن دولت از تعهد بین‌المللی

ماده ۶۱ از طرح ۲۰۱۱ درصد بر آمده است تا به مقوله «شانه خالی کردن دولت عضو از تعهدات بین‌المللی» بپردازد:

«۱. دولت عضو سازمان بین‌المللی، مسئول عمل متخلفانه خواهد بود اگر با سوءاستفاده از صلاحیت آن سازمان در موضوع یکی از تعهدات خود با فراهم کردن شرایط ارتکاب آن عمل توسط سازمان از زیر بار تعهد شانه خالی کند، به شرط آن که اگر خود آن دولت مرتکب عمل مزبور می‌شد باز هم آن عمل نقض تعهد به حساب می‌آمد.

۲. بند ۱ صرف‌نظر از این واقعیت اعمال می‌شود که عمل برای سازمان بین‌المللی متخلفانه محسوب شود یا نشود.»

ماده پیش گفته وضعیتی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که دولت عضو سازمان با توجه به شخصیت حقوقی جداگانه‌ای که به‌عنوان تابع فعال در جامعه بین‌المللی دارد از بار یکی از تعهدات بین‌المللی خود شانه خالی کند. (Paasivirta, 2010: 51) دولتی که طبق ماده ۶۱ در ارتباط با رفتار سازمان مسئول دانسته می‌شود لزوماً عضو آن سازمان است. (ARIO, 2011: 158) آن‌چه که در این



ماده آمده است شباهت بسیاری با حالت‌های مندرج در ماده ۱۷ همین طرح در خصوص «شانه خالی کردن از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضاء» دارد. وفق ماده ۱۷ در صورتی می‌توان سازمان بین‌المللی را مسئول دانست که با گرفتن تصمیم الزام‌آور، دولت‌ها یا سازمان‌هایی که به عضویت آن درآمده‌اند را ملزم به ارتکاب عملی کند که اگر از سوی آن سازمان انجام می‌شد عمل متخلفانه بین‌المللی به حساب می‌آمد. (D'Aspremont, 2008: 115) چنان‌چه کمیسیون در شرح و تفسیر ماده ۱۷ آورده و شرح و تفسیر ماده ۶۱ هم به آن اشاره داشته است قصد عدم اجرای تعهد در عبارت «شانه خالی کردن» مستتر است. بنابراین در صورتی که دولت قصد عدم اجرای تعهد نداشته باشد نمی‌توان سازمان بین‌المللی مربوط را به‌موجب این مقررہ مسئول دانست.

وجود سه شرط برای اعمال ماده ۶۱ لازم است: شرط نخست این که سازمان باید در زمینه موضوع تعهدات بین‌المللی یک دولت اختیار داشته باشد. برخورداری از چنین اختیاری می‌تواند از راه‌های گوناگونی صورت پذیرد. به‌طور مثال فرضی متصور است که دولت‌ها وظایف خود را به یک سازمان یکپارچه تفویض کنند. البته این فرض تنها یک احتمال است و نباید آن را تنها فرض محتمل دانست. آن‌چه که برای اعمال ماده گفته شده اهمیت دارد این است که تعهد بین‌المللی در زمینه اهلیت داده شده به سازمان باشد؛ شرط دوم این که بین رفتار دولتی که از تعهد شانه خالی می‌کند و سازمان مربوط، ارتباط قابل توجهی وجود داشته باشد و سومین شرط هم به این قرار است که اگر سازمان عملی را انجام دهد که اگر خود آن دولت آن را انجام می‌داد هم نقض تعهد محسوب می‌شد.

حال با توجه به شرایط گفته شده این فرض قابل تصور است که ماده‌های ۵۸، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ هم‌پوشانی داشته باشند. با این توضیح که اگر عمل سازمان



تخلف بین‌المللی باشد و سبب آن هم یکی از دولت‌های عضو آن سازمان باشند احتمال پیش آمدن هم‌پوشانی میان این چهار ماده دور از ذهن نخواهد بود. با این‌همه این هم‌پوشانی احتمالی هرگز مشکلی را به بار نخواهد آورد چرا که تنها میباید آن است که شاکله ترسیمی برای مسئولیت دولت در چنین وضعیتی از چند مبنای ثبوتی برخوردار است.

۴-۲. تسهیم مسئولیت ناشی از شانه خالی کردن

شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی خواه از طریق صدور تصمیم الزام‌آور خواه به‌واسطه تجویز باشد موجب بار شدن مسئولیت می‌گردد. همان‌طور که ماده ۴۸ از طرح ۲۰۱۱ بار شدن مسئولیت بر سازمان بین‌المللی را مانع از مسئول دانستن یک یا چند سازمان بین‌المللی دیگر یا دولت نمی‌داند، در این مورد، صرف‌نظر از این‌که دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی مخاطب تصمیم الزام‌آور سازمان مادر آن تصمیم را اجرا کنند یا نکنند، سازمان بین‌المللی که به‌واسطه گرفتن تصمیم الزام‌آور از تعهدات بین‌المللی خود شانه خالی کند مسئولیت خواهد داشت. نیز سازمان بین‌المللی که با تجویز انجام عملی خاص از تعهدات بین‌المللی خود شانه خالی کند در حدودی که انجام عمل از سوی مخاطبان مجوز، به‌جهت تجویز داده شده باشد، سازمان بین‌المللی مسئول خواهد بود. البته لفظ به هیچ‌وجه موضوعیت ندارد. منظور از تصمیم در این‌جا تصمیم الزام‌آور است و منظور از مجوز در این‌جا تصمیمی غیر الزام‌آور است که تنها دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی مورد بحث را مخیر به انجام می‌کند نه ملزم به آن. در این‌باره، اگر عمل مطروح، عمل متخلفانه بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر هم قلمداد گردد آن‌ها را نیز می‌توان مسئول دانست. چرا که در این حالت هر قدر هم که تصمیم الزام‌آور باشد باز هم آستانه بالایی نظیر «اجبار» ندارد که بتوان سخن از فقد مسئولیت مباشر تحت اجبار راند. در این حالت رعایت نکردن تصمیم الزام‌آور سازمان بین‌المللی تنها ممکن است مباشر را



به‌سختی بیان‌دازد که به‌سختی افتادن هرگز نمی‌تواند مانع از مسئولیت داشتن باشد. بنابراین در پیش آمدن وضعیتی که مشمول مقرره‌های مندرج در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در خصوص «شانه خالی کردن از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضاء» است این امکان وجود دارد که هم سازمان تصمیم‌گیرنده یا اعطاکننده مجوز و هم دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر مسئول دانسته شوند. نیز طبق بخش پنجم از مجموعه مواد ۲۰۱۱ که درصدد تکمیل خلأهای باقی مانده در طرح مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است، اگر دولت عضو سازمان بین‌المللی شرایطی را فراهم کند تا تعهدی که خودش به آن ملتزم است را از طریق سازمان بین‌المللی انجام دهد شانه خالی کردن دولت مورد بحث از تعهد بین‌المللی‌اش تلقی شده و موجبات مسئولیت آن‌را به بار خواهد آورد. طبق ماده ۴۸ و بند نخست از ماده ۶۱ مجموعه مواد ۲۰۱۱ مسئولیت داشتن یا نداشتن سازمان بین‌المللی مادر در این‌باره مانع از امکان مسئولیت داشتن دولت عضو آن سازمان نمی‌شود. نیز ماده ۶۳ که درصدد بازگویی اثر بخش پنجم از این مجموعه مواد است اظهار می‌دارد که «آثار این بخش هیچ لطمه‌ای به مسئولیت سازمان بین‌المللی، دولت یا سازمان بین‌المللی دیگری که مرتکب عمل مورد بحث شده است، ایراد نخواهد کرد.» به‌طور مثال، در صورتی که با تحقق خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این سازمان بدون رضایت بریتانیا، به درخواست عضویت اسکاتلند پاسخ مثبت دهد و اسکاتلند به عضویت اتحادیه اروپا درآید، قطعاً نقض تعهد بین‌المللی هم از سوی اتحادیه اروپا و هم از سوی اسکاتلند قلمداد خواهد شد. در این حالت، اسکاتلند که با عضویت در اتحادیه اروپا به‌دنبال شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی پیشین خود در قبال بریتانیا برآمده، از منظر حقوق بین‌الملل مسئول خواهد بود.

نتیجه‌گیری



با واکاوی و مطالعه تطبیقی طرح‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌الملل می‌توان به امکان اعمال مسئولیت غیرمستقیم دولت که از آن به مسئولیت اشتقاقی هم یاد شده است رسید. چهار حالت حصری وجود دارد که یک یا چند دولت ممکن است در قالب آن‌ها به‌طور غیرمستقیم در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته باشند. این چهار حالت عبارتند از کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار و شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی. به‌رغم عدم تصریح کمیسیون حقوق بین‌الملل، از سیاق عبارت‌پردازی‌های آن می‌توان دانست که اصل بر مسئولیت مستقل است و مسئولیت اشتقاقی فرع بر آن دانسته می‌شود.

در حالت مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، دولت معاون، تنها تا اندازه‌ای مسئولیت دارد که کمک کرده یا مساعدت داشته است؛ نه به اندازه کل عمل ارتكابی از سوی دولت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی. در وضعیت هدایت و کنترل، هم دولت اعمال‌کننده هدایت و کنترل و هم دولت مباشر عمل متخلفانه، هر دو مسئول کل عمل متخلفانه ارتکاب یافته هستند. حال با توجه به آن‌که طرف زیان دیده نباید بیش از آن‌چه که زیان دیده مورد جبران قرار گیرد، در حالت هدایت و کنترل، میان دولت اعمال‌کننده هدایت و کنترل و مباشر عمل متخلفانه، مسئولیت تضامنی برقرار است. در اجبار، تنها اجبارکننده است که مسئول دانسته می‌شود و هیچ مسئولیتی در رابطه با آن عمل بر طرف تحت اجبار بار نمی‌شود. در وضعیت شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی، دولت نمی‌تواند به بهانه عضویت در سازمان بین‌المللی از تعهدی که خود بر عهده گرفته است بگریزد و عمل دولت، مسئولیت بین‌المللی آن‌را بر اساس تعهدی که داشته است در پی دارد. البته، منشور ملل متحد به‌عنوان سند اساسی جهانی از این حالت مستثناء است و مقررات منشور بر هر تعهد دیگری رجحان دارد. البته در این باره، علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت بحث مسئولیت سازمان

بین‌المللی نیز مطرح است ولی از آن‌جا که جستار حاضر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تمرکز کرده است از دایره مطالعاتی نوشتار پیش‌رو خارج می‌باشد؛ لیک هرگز به‌مثابه بی‌مسئولیت‌مانی سازمان بین‌المللی نیست. در چنین حالتی هم‌زمانی مسئولیت مطرح می‌شود و هریک مسئول عمل متخلفانه خویش است. این همان چیزی است که از آن به توازی مسئولیت یاد می‌شود و در مقابل تقاطع مسئولیت قرار می‌گیرد. در جستجوی ملاکی برای اعمال مسئولیت بر دولت و سازمان بین‌المللی، این‌گونه نیست که اصل بر مسئولیت یک تابع باشد و دیگری فرع بر آن دانسته شود. هر دو تابع فعال حقوق بین‌الملل هستند و توازی مسئولیت قابل طرح است. گفتنی است اگرچه مسئولیت یک طرف مانع از مسئول دانستن طرف دیگر در قبال عمل متخلفانه واحد نیست، اما در هیچ یک از حالات پیش‌گفته، طرف زیان دیده نباید و حق ندارد بیش از آن‌چه که زیان دیده است مطالبه کند و مورد جبران قرار گیرد؛ این همان چیزی است که از آن به منع جبران مضاعف یاد می‌شود و در واقع مقتضای عدالت است.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۳)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۴)، *مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ستایش‌پور، محمد؛ عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵)، «استفاده عربستان از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده امریکا»، *پژوهش حقوق عمومی*، شماره پنجاه: ۱۶۸-۱۴۳.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.
- طباطبائی لطفی، سیداحمد؛ زهرا سادات شارق (۱۳۹۵)، «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، *مطالعات حقوق عمومی*، شماره یک: ۱۷۹-۲۰۱.
- عابدینی، عبدالله؛ روزگاری، خلیل (۱۳۹۳)، *حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، تهران: خرسندی.
- میرمحمدی، مصطفی (۱۳۸۹)، *مکتب رئالیسم سیاسی، در مروری بر مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل*، به اهتمام امیر ساعد، وکیل و همکاران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

(ب) انگلیسی

- Aust, P. H. (2011), *Complicity and the Law of State Responsibility*, Cambridge University Press.
- Brownlie. I. (1983), *System of the Law of Nations: State Responsibility*, Clarendon Press.
- Crawford. J. (2013), *State Responsibility: General Part*, Cambridge University Press.
- D'Aspremont. J. (2007), "the Foundations of the International Legal Order", *Finch Yearbook of International Law. Vol. 18*.
- D'Aspremont. J. (2008), "Abuse of the Legal Personality of International Organizations", *International Organizations Law Review, vol. 4*.
- Dominice. C. (2010), "Attribution of Conduct to Multiple States and Implication of a State in the Act of Another State", in J. Crawford, A. Pellet and S. Olleson, *The Law of International Responsibility*. Cambridge University Press.
- Fry. J. D. (2007), "Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility", *Vanderbilt Journal of Transnational Law, vol. 40*.
- Fry. J. D. (2014), "Attribution of Responsibility, in A. Nollkaemper and I. Plakokefalos", *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*. Cambridge University Press.
- Graefrath. B. (1996), "Complicity in the Law of International Responsibility", *Revue beige de droit international, vol. 29*.
- Janovoy, V. (2014), "Complicity in an Internationally Wrongful Act". in A. Nollkaemper and I. Plakokefalos, *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*. Cambridge University Press.
- Nollkaemper. A. (2012), "Joint Responsibility in International Law: Revisiting the Oil Platforms Case", in *Presentation of the Intricacies of Joint and Several Responsibility*, University of Amsterdam-Faculty of Law. available at: <http://www.sharesproject.nl/?s=joint+responsibility>
- Passivirta. E. (2010), "Responsibility of a Member State of an International Organization: Where will it End? Comments on Article 60 of the ILC Draft Articles on the Responsibility of International Organizations", *International Organizations Law Review, vol. 7*.

- Quigley, J. (1986), "Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility", *British Yearbook of International Law*, vol. 57.
- Talmon, S. (2008), "a Plurality of Responsible Actors: International Responsibility for Acts of the Coalition Provisional Authority in Iraq", in P. Shiner, and A. Williams, *the Iraq War and International Law*. Hart Publishing.
- ICJ Report (1980), "Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt", Advisory Opinion.
- ICJ Report (2007), "Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)".
- International Law Commission (1978), Yearbook.
- International Law Commission (1979), Yearbook.
- International Law Commission (2001), Draft Articles on International Responsibility of States (ARSIWA).
- International Law Commission (2011), Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO).
- United Nation's General Assembly (2004), Resolution A/C.6/59/SR.22.